



# تاثیرات اجتماعی و اقتصادی بیمه محصولات کشاورزی

● آیت کریمی

قیمت‌های بازار می‌پردازند. سپس به دلیل اینکه امکانات زیادی مانند سردخانه‌های مجهز در اختیار دارند، محصولات را انبار می‌کنند و در وقت مناسب و بر اساس تقاضا و نیاز بازار، آنها را با قیمت‌های گزافی به بازار عرضه می‌نمایند. مصرف‌کننده نیز چاره‌ای جز این ندارد که محصولات را که کیفیت مطلوبی هم ندارند، با قیمت‌های زیاد خریداری کند. رقابت در این بازار وجود ندارد و هر نوع محصول کشاورزی و دامی، دلالان و واسطه‌های خاص خود را دارد که گاهی از تعداد انگشتان یک دست هم تجاوز نمی‌کنند. مابه‌التفاوت قیمت محصول و دام خریداری شده از دامدار و کشاورز با قیمتی که دلال و واسطه به مصرف‌کننده عرضه می‌کند گاهی به چند برابر می‌رسد. درست مانند اتفاقی که در ایام عید امسال (۱۳۸۴) در کشور خود ما رخ داد و متأسفانه هنوز هم ادامه دارد: میوه که در عید نوروز مصرف زیاد دارد، ناگهان با قیمت‌های سرسام‌آوری در بازار عرضه شد و هزینه سنگینی به قشرهای مختلف جامعه، به ویژه طبقات کم درآمد و متوسط، تحمیل کرد. در حالی که کشاورزان زحمتکش که با هزاران مشقت این میوه‌ها را برای مصرف هموطنان خود تولید کرده‌اند درآمدی در حد بخور و نمیر دارند، دلالان و سلف‌خران با انبار کردن این محصولات در سردخانه‌ها و سپس عرضه آنها با چندین برابر قیمت به بازار، به سودهایی با ارقام نجومی دست یافتند. این امر نشان دهنده‌ی نبود برنامه‌ریزی در تولید محصولات کشاورزی و دامی در دوره‌های کاشت، داشت و برداشت و توزیع است.

فناوری: هم خوب، هم بد!

فناوری زاینده علم است. فناوری موجب پیشرفت و توسعه می‌شود. مشکلات کشورهای در حال توسعه در زمینه کشاورزی و دامداری نیز از همین مسئله سرچشمه گرفته است. این کشورها از پیشرفت علم و فناوری بهره‌بینه‌ای نبرده‌اند و بسیاری از آنها همچنان از روش‌های سنتی در تولیدات کشاورزی و پرورش دام استفاده می‌کنند. افزون بر این، بیماری‌ها و آفت‌های کشاورزی گاهی بخش اعظم محصولات آنها را از بین می‌برند. همان‌طور که گفتیم این کشورها کمبود آب هم دارند

کشورهای در حال توسعه برای رشد و شکوفایی در زمینه محصولات کشاورزی و دامی و همچنین صنعت در تلاش هستند. این کشورها عمدتاً صنایع مونتاژ دارند و به همین علت به کشورهای توسعه‌یافته وابسته‌اند، کمتر می‌توانند با استفاده از مزیت‌های نسبی و با بهره‌مندی از کارگر و گاهی انرژی ارزان در سطح جهان عرضه اندام کنند و حتی نمی‌توانند در سطح مصرف داخلی از وابستگی‌هایی یابند. فناوری‌هایی که در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرد روز آمد نیستند و در کشورهای سازنده از رده خارج شده‌اند. بنابراین در صنعت به دلیل رقابت شدید حاکم بر بازار، کمتر کشور در حال توسعه‌ای است که بتواند با کشورهای توسعه‌یافته رقابت کند. در بخش تولید محصولات کشاورزی نیز این مشکلات به شکل دیگری دام‌گیر کشورهای در حال توسعه است و مانع بزرگی در راه رسیدن به سطح خودکفایی و سپس صادرات مازاد تولید محصولات دامی و کشاورزی محسوب می‌شود. دسترسی نداشتن به بذر اصلاح شده و کود شیمیایی استاندارد، فقدان ماشین‌آلات کشاورزی مدرن، کمبود منابع آب و در اختیار نداشتن نیروی انسانی متخصص و ماهر موجب شده است که میزان کاشت، داشت و برداشت آنها در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته به مراتب کمتر باشد و هزینه‌هایی به این کشورها تحمیل شود. علاوه بر اینکه محصولات تولید شده نیز استاندارد نیست و از کشاورز و دامدار کمتر حمایت می‌شود.

تولید کنندگان و مصرف کنندگان در چنگ دلالان

در بازارهای کشورهای در حال توسعه مصرف کنندگان نیز متضرر می‌شوند، زیرا واسطه‌ها و دلالان نفوذ و قدرت زیادی دارند و به گونه‌ای در بازار عمل می‌کنند که دامداران و کشاورزان به آنها وابسته باشند. به دلیل اینکه کشاورزان و دامداران در این کشورها بنیه مالی اندکی دارند و نمی‌توانند بدون کمک مالی، محصولات خود را تولید و به بازار مصرف عرضه کنند، دلالان و واسطه‌ها محصولات کشاورزی و دامی آنها را سلف‌خری می‌کنند و برای محصولات باغی پول به مراتب کمتری از

■ دولت‌هایی که به استقلال اقتصادی و قطع وابستگی به کشورهای بیگانه می‌اندیشند به این بخش عنایت کامل دارند و کشاورزان و دامداران را تحت حمایت‌های همه جانبه قرار می‌دهند. استقلال در تولید محصولات کشاورزی و رسیدن به خودکفایی و کاهش خروج ارز برای خرید محصولات کشاورزی نیازمند برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری است



کشورهای بیگانه می‌اندیشند به این بخش عنایت کامل دارند و کشاورزان و دامداران را تحت حمایت‌های همه جانبه قرار می‌دهند. استقلال در تولید محصولات کشاورزی و رسیدن به خودکفایی و کاهش خروج ارز برای خرید محصولات کشاورزی نیازمند برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری است.

بنده در رشته‌های مختلف بیمه‌مقالاتی نوشته‌ام که در مطبوعات چاپ شده است. کتاب‌هایی نیز تألیف و ترجمه کرده‌ام که همگان به آنها دسترس دارند. رشته تحصیلی و فعالیت حرفه‌ای بنده بیمه است، اما در زمینه تولیدات کشاورزی و دامی متخصص نیستم که به جزئیات تخصصی آن بپردازم و این صحبت را به متخصصان این رشته واگذار می‌کنم. آنها در این خصوص باید قلم‌فرسایی کنند و از زاویه دید خود به مسائل و مشکلات این رشته بپردازند. بنابراین اجازه می‌خواهم که در حد توان و بضاعت علمی اندکی که دارم به بحث ادامه دهم.

#### کشاورزی اولویت اول

درست است که اسلام به ما می‌آموزد که نباید در جامعه گرسنه‌ای وجود داشته باشد ولی آیا اقتصاد جهانی نیز چنین باوری دارد؛ هرگز. بنابراین ما باید برای خودکفایی و حتی صادرات محصولات کشاورزی و دامی خود برنامه‌ریزی کلان و بلندمدت داشته باشیم و وسایل و امکانات آن را فراهم و با گام‌های محکم در جهت حل مشکلات حرکت کنیم. فقر و گرسنگی به کشورهای در حال توسعه آفریقایی و آسیایی می‌آموزد که به خود تکیه و به طور بهینه از کلیه ابزارها و امکانات خود استفاده کنند. کلیه نیروها و فعالیت‌ها در این جهت باید بسیج شوند. تصور اینکه با صنعتی شدن، جامعه به رفاه و پیشرفت نایل می‌آید آرزویی محال است. در گذشته کم‌نبودند کشورهایی که گمان می‌کردند که اگر کشاورزی رازها کنند و صنعتی شوند، هم استقلال خود را بهتر حفظ می‌کنند و هم با افزایش تولیدات صنعتی جامعه شادایی خواهند داشت. این آرزوی باطلی بود، شاید هم دامی است که شماری از کشورها در آن افتادند و کشاورزی آنها بر اثر کم توجهی و حمایت نکردن از کشاورزان نابود شد. کشاورزان عمدتاً به کلان شهرها مهاجرت کردند و از نظر فرهنگی دچار بحران هویت شدند و عقاید و باورهایشان به ضعف گرایید. کارگران صنایع مونتاژی با حداقل دستمزد، افزایش یافتند و درآمد خانواده‌ها تکافوی هزینه‌های روزافزون را نمی‌کرد. صنایع مونتاژی از رده خارج شده در کشورهای در حال توسعه به هیچ وجه نمی‌توانست با تنوع تولیدات با کیفیت عالی کشورهای توسعه یافته رقابت کند. افزون بر این، محصولات صنعتی هم با قیمتی به مراتب بالاتر از سطح قیمت‌های جهانی به دست مصرف کننده می‌رسید. شاید اگر آن محصولات را وارد می‌کردند با صرفه‌تر می‌بود. هیچ ارزش افزوده‌ای نیز برای کشور نداشت. ارزش افزوده متعلق به کشورهایی بود که قطعات مونتاژ از آنها وارد می‌شد. این وضعیت یعنی وابستگی شدید از نظر صنعتی. در این کشورها حتی بعد از مدتی که از مونتاژ کالاها می‌گذشت، انتقال فناوری صورت نگرفت و صادرکنندگان فناوری از رده خارج به وعده‌های خود عمل نکردند و این

و به علت اینکه نمی‌توانند آب‌های سطحی ناشی از برف و باران را به دلیل نداشتن سد ذخیره کنند، آن آب اندک نیز هز می‌رود. در نتیجه، آب کافی برای آبیاری، پرورش دام و تولید محصولات کشاورزی وجود ندارد. استفاده از آب چاه‌های عمیق نیز هزینه تولید آنها را بالا می‌برد و در مقابل، برداشت محصول در سطح کشت استاندارد پایین می‌آید. بذر و کود استاندارد نیز کمتر در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد. در این کشورها، کشاورزان عمدتاً به صورت انفرادی تولید می‌کنند و تولیدات انبوه به صورت مجتمع‌های کشت و صنعت کمتر رواج دارد. در سال‌هایی که کشاورزان دچار آفت و خسارت می‌شوند، اگر در سال بعد کمک نشوند، از نظر مالی و تأمین هزینه‌های زندگی به شدت آسیب می‌بینند.

دنیا در حال تغییر است و علم پیشرفت می‌کند. فناوری زمینه پیشرفت در کلیه زمینه‌ها را فراهم کرده است. حمل و نقل و ارتباطات در سایه پیشرفت فناوری و یافته‌های جدید با سرعت سرسام‌آوری در حال تحول اند. فاصله‌ها از بین می‌رود و کشورها از نظر مسافت بسیار به هم نزدیک شده‌اند و همان دهکده جهانی که وعده آن داده شده بود در حال تحقق یافتن است. اینترنت انقلابی در زمینه ارتباطات و استفاده از یافته‌های جدید علمی و دسترسی به منابع خبری فراهم کرده است ولی همه این تحولات هرگز این احساس را در انسان ایجاد نمی‌کند که دنیای توسعه یافته حاضر است آنچه را تولید می‌کند به آسانی و ارزان در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار دهد. کشورهایی نظیر امریکا برای حمایت از کشاورزان خود حاضر می‌شوند بخشی از محصولات خود را به دریا بریزند تا قیمت این محصولات کاهش نیابد و کشاورزان متضرر نشوند و بهای محصولات کشاورزی تضمین شود. در مقابل، کشاورزان در کشورهای در حال توسعه در آسیا و آفریقا از گرسنگی در رنج‌اند و کودکانشان یا می‌میرند یا با مصرف حداقل غذا، دچار سوء تغذیه و بیماری‌های ناشی از آن می‌شوند.

به هر حال، مشکلات کشورهای در حال توسعه در بخش کشاورزی و دام گسترده و متنوع است و از یک کشور به کشور دیگر فرق می‌کند. این مشکلات یکسان نیست که بتوان برای حل آنها نسخه واحدی تجویز کرد. براساس شرایط جغرافیایی، اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی، برای هر کشور باید برنامه‌ها را کار خاصی در نظر گرفت. در برخی از کشورها کشاورزان چنان فقیر و ناتوان‌اند و با شیوه‌های کاملاً سنتی و عقب افتاده کار می‌کنند که نیازمند برنامه‌ریزی دراز مدت و ساختاری هستند، در حالی که در کشورهای دیگر که کشاورزان، توانگری نسبی دارند باید به آنها کمک کرد تا محصولات و دام خود را مطابق استانداردهای بین‌المللی و با استفاده از فناوری روز و بذر اصلاح شده تولید کنند. با کمک دولت و سازمان‌های مسئول، تولیدات آنها با بسته‌بندی مطلوب و با تبلیغات گسترده روانه بازارهای داخلی و بین‌المللی شود. درآمد کشاورزان و تولیدات آنها نیز باید با قیمت از پیش تعیین شده تضمین شود.

تولیدات دامی و کشاورزی در اقتصاد نقش کلیدی و اساسی دارد و شایسته است که دولت‌های کشورهای در حال توسعه به طور جدی در این خصوص تلاش کنند و به بخش تولیدات استراتژیک توجه ویژه‌ای مبذول دارند. دولتی‌هایی که به استقلال اقتصادی و قطع وابستگی به



کشورهای فقیر بخت برگشته را تنها گذاشتند. کشورهای در حال توسعه که از نظر شرایط اقلیمی و جغرافیایی مزیت‌های بزرگی در امر کشاورزی و دامداری دارند، چنانچه اولویت اول خود را کشاورزی قرار می‌دادند و سرمایه و منابع مالی و انسانی خود را در این عرصه به کار می‌گرفتند، بدون شک می‌توانستند ضمن رسیدن به خودکفایی حتی صادرکننده این محصولات باشند. این امر امکان‌پذیر بود، البته اگر تولیدات کشاورزی خود را مکانیزه و کود و بذر مورد نیاز کشاورزان را مهیا می‌کردند. در صورتی که دانشکده‌های کشاورزی در کشورهای مختلف تأسیس می‌شد، مسلماً محصول متناسب با استعدادهای آن منطقه هم به دست می‌آمد. اگر در سدسازی و مهار کردن آب‌های پرآرزش، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های درخوری برای اراضی زیرسدها طراحی می‌شد، بهره‌وری به دنبال داشت. آنها باید خرید محصولات از کشاورزان را تضمین و درجه‌بندی و بسته‌بندی استاندارد کالاها را طراحی می‌کردند. تأسیس تعاونی‌هایی که اعضای آن خود تولیدکنندگان باشند، راهکار دیگری است. در این کشورها صنایع جنبی ضروری برای محصولات کشاورزی ایجاد نشد. چنانچه سردخانه‌های لازم در محل مورد نیاز تأسیس می‌شد، عرضه پوشش‌های بیمه‌ای به کشاورزان هم تحقق می‌یافت (در صورتی که بخشی از حق بیمه را دولت به کشاورزان پرداخت می‌کرد) دولت نتیجه این یارانه‌های دید و محصولات کشاورزان از بین نمی‌رفت و تولیدکننده می‌توانست خسارت خود را به طور کامل دریافت کند. در ضمن، شرکت‌های بیمه تخصصی کشاورزی به تدریج تأسیس می‌شدند و می‌توانستند پوشش‌های بیمه‌ای تکلیبی نیز ارائه کنند. سهم محصولات کشاورزی در تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا می‌کرد و از نظر سیاسی نیز استقلال کشورهای در حال توسعه به مراتب بهتر تأمین می‌شد. استقلال واقعی در خودکفایی تولیدات کشاورزی و دامی است. باز هم تکرار می‌کنیم که کشورهای در حال توسعه باید به فعالیت‌های کشاورزی اولویت بدهند و اولویت دوم آنها صنعت باشد، آن هم نه هر صنعت تحمیلی. از صناعی باید استفاده کنند که بر افزایش تولیدات کشاورزی مؤثرند، برای کل جامعه رفاه به وجود می‌آورند و از مهاجرت کشاورزان به شهرها جلوگیری می‌کنند. کشورهای در حال توسعه باید به زندگی اسفناک کشاورزان در حاشیه شهرها و در حلبی آبادها که اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی در کمین این زحمتکشان هستند خاتمه دهند.

درس بزرگی که ما می‌توانیم از این مسائل و مشکلات بیاموزیم این است که هر چه بیشتر در زمینه خودکفایی و بهره‌مندی از کشاورزی و دامداری مجهز به دانش روز، حمایت از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و دامی، به کار گرفتن متخصصان در کنار تولیدکنندگان و تهیه و استفاده از ماشین‌آلات مدرن کشاورزی و دامی تلاش کنیم. باید بر میزان تولید افزود و هزینه کاشت و داشت و برداشت را کاهش داد و به محصولات مطلوب و از نظر قیمت قابل رقابت در بازارهای بین‌المللی رسید. در این صورت حتی صادر کردن این محصولات نیز خواب و

خیال نخواهد بود.

### کشاورزی سنتی قابل دفاع نیست

همان‌طور که اشاره شد کشورهای توسعه یافته هرگز حاضر نیستند فناوری روز خود را به کشورهای در حال توسعه صادر کنند و حتی گاهی از انتقال فناوری قدیمی خود نیز به لطایف‌الحیل سر باز می‌زنند تا این کشورها را هر چه بیشتر به خود وابسته نگه‌دارند. از آنجا که در کشورهای در حال توسعه، شایسته سالاری کمتر در انتخاب مدیران حاکم است در نتیجه گروه‌های مذاکره‌کننده کشورهای در حال توسعه، قدرت چانه‌زنی اندکی در مقابل مذاکره‌کنندگان کشورهای صنعتی دارند. حتی گاهی از ضعف‌های مذاکره‌کنندگان کشورهای در حال توسعه سوءاستفاده می‌شود.

هیچ‌کس مدافع کشاورزی سنتی نیست. کشاورزی و دامداری باید مدرنیزه شوند و تولید برای تأمین نیازهای خود باید کنار نهاده شود. دولت‌ها می‌توانند برای تولید کالاها اساسی کشاورزی و حق بیمه کشاورزان یارانه بدهند. آنها باید بدانند که بیمه مهم‌ترین خدمتگزار بخش کشاورزی و دامی است و با تأسیس صندوق‌های بیمه و سپس تبدیل این صندوق‌ها به شرکت‌های بیمه بازگانی می‌توانند این یارانه‌ها را به تدریج کاهش دهند و حتی حذف کنند.

مجموعه‌ای از عوامل خارجی و برون‌مرزی نیز در مشکلات اقتصادی بسیاری از کشورهای در حال توسعه نقش دارد. یکی از این عوامل انتقال منابع مالی و ارزی این کشورها به خارج از کشور است که مشکلات آنها را دو چندان می‌کند. گزارش مؤسسات تحقیقات مالی نشان می‌دهد که سالانه میلیاردها دلار از منابع محدود ارزی کشورهای در حال توسعه به خارج از کشور منتقل می‌شود. عامل دیگر شرایط نامطلوبی است که کشورهای توسعه یافته صنعتی به این کشورها تحمیل می‌کنند. منابع مالی و سرمایه در اختیار کشورهای توسعه یافته است و کشورهای در حال توسعه برای سرمایه‌گذاری نیازمند منابع خارجی هستند که به صورت وام یا سرمایه‌گذاری با شرایط دشوار به آن دست پیدا می‌کنند. کشورهای ثروتمند به آسانی حاضر نمی‌شوند که در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری کنند و بیشتر در اندیشه‌ی سلطه‌گری هستند. چنین شرایطی ایجاب می‌کند که در اقتصاد کشورهای در حال توسعه بازنگری به عمل آید و مسیری برای توسعه انتخاب شود که اقتصاد کشور را به سوی استقلال و خودکفایی، همگام با کاهش بیکاری، سوق دهد. گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن دشوار است و راه سنگلاخی.

باید احتیاط کرد و از تنش‌های اجتماعی دوری گزید. در این مسیر، کشاورزی و دامداری نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند و با تهدیدات بزرگی مواجه‌اند. بیمه می‌تواند با مشارکت مؤثر و با ارزش خود، بخش کشاورزی را به سلامت به مقصد برساند.

بر اساس آمار سازمان ملل متحد اکنون جمعیت جهان حدود شش میلیارد نفر است. بر آوردن نیازهای این جمعیت از نظر کمی و کیفی همه ما را در اندیشه‌ای ژرف فرو می‌برد. توماس رابرت مالتوس انگلیسی (۱۷۶۶-۱۸۳۴) نظریه‌ای در باره رشد جمعیت و میزان محصولات

■ گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن دشوار است در این مسیر، کشاورزی و دامداری نقش بس یار مهمی ایفا می‌کنند و با تهدیدات بزرگی مواجه‌اند. بیمه می‌تواند با مشارکت مؤثر و با ارزش خود، بخش کشاورزی را به سلامت به مقصد برساند



منتهی می‌شود. خودکفایی در کشاورزی در این کشورها عامل اصلی ثبات اجتماعی به شمار می‌آید.

توسعه اقتصادی به زبان ساده به معنای افزایش بهره‌وری و سودمندی یا همبستگی بین منحنی بهره‌وری و رشد جمعیت است. نقش محصولات کشاورزی و دامی در تولید ناخالص داخلی، تأثیر این بخش را در توسعه اقتصادی نشان می‌دهد و به همین دلیل است که بیمه محصولات کشاورزی اهمیت پیدا می‌کند. بدون حضور بیمه، فعالان اقتصادی به علت عدم اطمینان و ریسک بالای تولیدات کشاورزی، انگیزه کافی برای ابراز علاقه به این بخش نخواهند داشت. بیمه‌آرامش خاطر به جمعیت فعال می‌دهد و آنها را دلگرم می‌کند که با اطمینان خاطر در تولید محصولات کشاورزی و دامی سرمایه‌گذاری و فعالیت کنند.

تولیدات کشاورزی و دامی نقش بسیار مهمی در پیشرفت کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. این بخش قدرت اشتغال‌زایی زیادی برای کشور دارد و مواد اولیه صنایع را نیز تأمین می‌کند. البته میزان ارزی که از صادرات مازاد بر مصرف داخلی محصولات کشاورزی و دامی عاید کشور می‌شود، اهمیت بیشتری دارد. مواد غذایی یکی از مهم‌ترین عوامل رضایت خاطر مردم است و چون مردم کشورهای که درآمد سرانه پایین دارند بخش اعظم درآمد خود را صرف خرید مواد غذایی می‌کنند، هر گونه افزایش قیمت مواد غذایی، میزان پس‌انداز خانواده‌ها را که باید صرف سرمایه‌گذاری برای تولید شود، کاهش می‌دهد. این یعنی پدید آمدن مشکلات بیشتر برای مردمی که در مرز خط فقر و پایین‌تر از آن قرار دارند.

در تعدادی از کشورهای در حال توسعه ۷۰ درصد درآمد مردم به خرید مواد غذایی اختصاص می‌یابد. این بدان معناست که تولیدات کشاورزی و دامی در اولویت نخست قرار دارد. در بیشتر موارد درآمد مردم آن قدر ناچیز است که مازادی باقی نمی‌ماند که به خرید محصولات صنعتی بپردازند. همچنین ثابت شده است که افزایش محصولات کشاورزی و دامی در بیشتر کشورهای در حال توسعه، به افزایش سطح زیر کشت محصولات کشاورزی، استفاده از بذل اصلاح شده و کشاورزی مکانیزه بستگی دارد. خوشبختانه در تعدادی از این کشورها برنامه‌ریزی‌های خوبی مشاهده می‌شود و متخصصان بومی میزان برداشت در واحد کشت را افزایش داده‌اند. البته در برنامه‌ریزی، به کلیه عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باید توجه شود. استفاده از فناوری پیشرفته در تولیدات کشاورزی و دامی نیز باعث ایجاد تغییرات ساختاری در کشاورزی می‌شود، به شرطی که «بیمه» به دست فراموشی سپرده نشود. این بخش به سرمایه‌گذاری کلان نیاز دارد و بدون بیمه نمی‌توان مطمئن گام برداشت و به جلورفت.

#### بیمه محصولات کشاورزی

به دلیل اینکه کشاورزان در کشورهای در حال توسعه از نظر مالی ضعیف هستند، در معرض خطرهای آتشی و آتشی‌های فراوانی قرار دارند و توان مالی کافی برای تهیه پوشش بیمه‌ای ندارند. اتفاقاً حق بیمه این قشر ضعیف به تناسب بیشتر از کشاورزان با توان مالی بالاست. بنابراین لازم است

کشاورزی ارائه کرد. او گفت: روزی خواهد رسید که جهان لبریز از جمعیت می‌شود و مواد غذایی برای برآوردن نیازها بسنده نخواهد بود. گرچه مالتوس عوامل دیگر را در نظر نگرفته بود و نظریه او تحقق پیدا نکرد ولی به هر حال اکنون جمعیت جهان به حدی رسیده است که باید درباره تولیدات استراتژیک کشاورزی و دامی به طور اساسی اندیشه کرد. این مسئله در کشورهای در حال توسعه ممکن است به بحران تبدیل شود. هم اکنون کم نیستند کشورهای با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند و اگر کمک‌های انسان دوستانه برخی از کشورها و مؤسسات امدادی بین‌المللی نباشد، شاهد فاجعه‌ای انسانی خواهیم بود. سوء تغذیه را نیز به این گرفتاری‌ها اضافه کنید که تعدادی از کشورها را تهدید می‌کند.

در دهه‌های اخیر ترکیب جمعیت شهری و روستایی در کشورهای در حال توسعه به کلی تغییر کرده و شمار جمعیت جویای کار به دلیل افزایش نرخ زاد و ولد در برخی از کشورها، فزونی گرفته است. در برخی از کشورها جویندگان کار از روستاها به شهرهای صنعتی هجوم آورده‌اند. علت واضح است: دستمزد و رفاه در جامعه شهری بیشتر از جامعه روستایی است و این امر مهاجرت را تشدید می‌کند. بیکاری و فقدان امکانات زیستی مناسب در روستا، جمعیت را برای پیدا کردن کار به شهرها می‌کشاند و چون شغل برای تمامی مهاجران در شهرها وجود ندارد، اینان گاهی به کارهای غیر مولد روی می‌آورند و از راه دست‌فروشی و کارهای واسطه‌گری امرار معاش می‌کنند. تعدادی نیز به کارهای خلاف قانون می‌پردازند و حتی دچار اعتیاد شده و از مسیر سالم زندگی دور می‌شوند. به همین علت، طبیعی است که آمارها در این کشورها نشان از کاهش تدریجی تولید محصولات کشاورزی و دامی داشته باشند. در این کشورها برنامه جامع و دراز مدت برای صنعتی شدن هم مشاهده نشده است و هدف‌ها تعریف شده نیست.

#### بحران اقتصادی

مطالب فوق در واقع زنگ خطر را برای کشورهای در حال توسعه به صدا در می‌آورد. آنها باید به امر تولیدات کشاورزی و دامی بیشتر توجه کنند و بدانند که برنامه‌ریزی، ضرورت اجتناب‌ناپذیری برای تحقق هدف‌هاست. اگر با بدبینی نگوئیم که دیر شده، زمان آن فرا رسیده است که این کشورها اولویت اول خود را کشاورزی قرار دهند، تمام امکانات خود را در این مسیر به کار گیرند و بازار مالی و بازار سرمایه را نیز در همین عرصه به کار اندازند. تجدید نظر اساسی در استراتژی‌ها و روش‌ها ضروری به نظر می‌رسد و سایر فعالیت‌های اقتصادی نیز باید با هدف‌ها و استراتژی‌ها هماهنگ باشند. دیر یا زود تعدادی از این کشورها دچار بحران خواهند شد اما در هر بحرانی همیشه فرصت و موقعیت نیز پدید می‌آید که باید از آن استفاده کرد. دولت‌هایی که در اقتصاد بحران زده زندگی می‌کنند باید درست بیندیشند و راه‌های برون رفت از آن را بیابند. مسیر برون رفت برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، همان جاده‌ای است که به کشاورزی مدرن و مکانیزه



## ■ نقش محصولات کشاورزی و دامی در تولید ناخالص داخلی، تأثیر این بخش را در توسعه اقتصادی نشان می‌دهد و به همین دلیل است که بیمه محصولات کشاورزی اهمیت پیدا می‌کند. بدون حضور بیمه، فعالان اقتصادی به علت عدم اطمینان و ریسک بالای تولیدات کشاورزی، انگیزه کافی برای ابراز علاقه به این بخش نخواهند داشت



که تا مدت‌ها بخشی از حق بیمه آنها را دولت پرداخت کند یا اینکه مانند بعضی از کشورها، از جمله ایران، تولیدات کشاورزان و دامداران تحت پوشش صندوق بیمه محصولات کشاورزی و دامی قرار گیرد. البته صندوق‌های کشاورزی ممکن است متعدد باشند و برای تولیدات و خطرهای مختلف صندوق‌های متفاوتی وجود داشته باشد. این صندوق‌ها هم باید به تدریج جای خود را به شرکت‌های بیمه تخصصی بدهند تا حرکت بازار به سوی خودکفایی در زمینه بیمه محصولات کشاورزی و دامی شکل گیرد.

فعالیت شرکت‌های بیمه تخصصی در بیمه محصولات کشاورزی و دامی باید به تدریج انجام شود، زیرا ارزیابی ریسک در این بخش نیازمند مطالعه و اجرای طرح‌های تحقیقاتی است. مطالعه و تحقیق در زمینه ریسک‌های کشاورزی و دامی زمان‌بر است و هزینه زیادی دارد. به همین دلیل شرکت‌های بیمه بازرگانی عمدتاً به دنبال بازار زود بازده هستند و کمتر به فعالیت در بخش بیمه‌های کشاورزی و دامی علاقه نشان می‌دهند. لذا این امر به عهده دولت‌هاست که بخش تحقیقات و ارزیابی ریسک را به عهده گیرند و نتیجه مطالعات و ارزیابی ریسک‌های بومی و منطقه‌ای را در اختیار شرکت‌های بیمه بازرگانی قرار دهند. شرکت‌های بیمه نیز در این بخش باید تخصصی باشند تا بتوانند پورتفوی بیمه‌ای خود را مدیریت کنند.

بیشتر کشورهای در حال توسعه از منابع و زمین‌های کشاورزی بهره‌مندند و محصول را برای رفع نیازها و مصرف خود تولید می‌کنند اما محدودیت‌هایی هم دارند که عمدتاً از فقدان ساختارهای اقتصادی و اجتماعی سرچشمه گرفته است. هرگونه برنامه‌ریزی در این زمینه باید بر مبنای این ساختارها صورت پذیرد. از این رو، در سرمایه‌گذاری، بیمه و تأمین اجتماعی توجه به این امر اجتناب‌ناپذیر است. بیمه‌گر علاوه بر ساختار باید توجه ویژه‌ای به تجزیه و تحلیل ریسک، توان‌روشد خسارت، مطالعه انواع ریسک‌های اقلیمی، تهیه نرخ آنها، طراحی پوشش بیمه‌ای معین، فرم قرارداد، پیشنهاد بیمه، میزان حق بیمه، نحوه سرمایه‌گذاری و ارزیابی خسارت داشته باشد. البته بیمه باید در سطح ملی باشد. رابطه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار، رابطه‌ای صمیمانه و دراز مدت است، بنابراین صرف تهیه پوشش بیمه‌ای در منطقه‌ای محدود کافی نیست.

ارائه پوشش بیمه‌ای باید بر اساس یک برنامه ملی باشد. این برنامه ملی باید بر پایه ملاحظات کلی و با توجه به کلیه نکات و لحاظ کردن تمام مسائل و مشکلات باشد و پیشرفت کلی کشور در این بخش را مورد توجه قرار دهد. نگاه جامع و کلان‌نگر در جامعه نیازمند بیمه محصولات کشاورزی و دام است. استقلال اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در گرو افزایش تولید و گسترش فعالیت‌های کشاورزی و دامی برای رسیدن به خودکفایی است. کشورهایی که با این هدف برنامه‌ریزی و فعالیت کرده‌اند، امروزه جزو کشورهای موفق محسوب می‌شوند. برای مثال، مالزی از مرز خودکفایی فراتر رفته و به صادرکننده محصولات

کشاورزی و دامی تبدیل شده است. در این خصوص همایش‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی متعددی به ویژه در کشورهای در حال توسعه برگزار می‌شود. کشورهایی که توانسته‌اند با استفاده از مطالب مطرح شده در این همایش‌ها برنامه‌های علمی خود را با توجه به اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورشان تنظیم کنند، موفق بوده‌اند. اخیراً در کشور ما نیز به ابتکار بانک کشاورزی که مسئولیت اداره صندوق بیمه محصولات کشاورزی را به عهده دارد، همایشی برگزار شد که دستاوردهای آن به صورت مکتوب در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. مطالعه مقالات این همایش به علاقه‌مندان این مباحث توصیه می‌شود. امیدوارم برگزارکنندگان این همایش دستاوردهای آن را به یک برنامه اجرایی تبدیل کنند. تأسیس این صندوق اقدامی بجای و نتیجه فعالیت آن نیز با وجود ضعف‌هایی که ممکن است داشته باشد مؤثر و مفید بوده است. آرزوی موفقیت روز افزون برای همه این عزیزان دارم.

تحقق استقلال اقتصادی در گرو برنامه‌ریزی کلان در کشور است. اقتصاددانان و برنامه‌ریزان هر کشور می‌توانند مسیر درست فعالیت‌های اقتصادی را به تصمیم‌گیرندگان نشان دهند و اولویت‌ها را تعیین کنند. ضمن اینکه اغلب کشورهای در حال توسعه از منابع و امکانات طبیعی برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی بهره‌مندند و فقط کافی است که هدف‌ها تعیین و کلیه امکانات در جهت تحقق این هدف‌ها بسیج شوند. این کشورها باید برای تهیه و تأمین پوشش‌های بیمه‌ای برنامه داشته باشند و در زمینه بیمه اتکایی با یکدیگر همکاری کنند؛ نه تنها در خصوص بیمه اتکایی بلکه برای کسب استقلال داخلی در تولیدات کشاورزی و دامی و نیز حل مشکلات پیش‌رو از نظر فرهنگی به تبادل نظر نیاز دارند.

از آنجا که مسائل و مشکلات این کشورها کمابیش یکسان است تأسیس سازمان‌های بین‌المللی برای ایجاد زمینه همکاری و برگزاری همایش‌ها نیز ضروری است. مسئولان و متخصصان این کشورها هر چند وقت یکبار باید گرد هم آمده و مسائل و مشکلات خود را مورد بحث و بررسی قرار دهند و از تجربیات یکدیگر در حل مشکلات کمک بگیرند. دامنه این نوع همکاری‌های بین‌المللی در امر بیمه و بیمه اتکایی وسیع‌تر است. بررسی بیمه محصولات کشاورزی و دامی هزینه‌بر است و نیاز به متخصصان زبده و کارآمد دارد، لذا همکاری این کشورها در زمینه بیمه و بیمه اتکایی بسیار کارساز و مؤثر خواهد بود. این گونه سازمان‌های بین‌المللی دامنه فعالیت خود را نباید محدود کنند و حوزه فعالیت آنها می‌تواند منطقه‌ای و حتی جهانی باشد. همکاری این کشورها در زمینه بیمه‌های مستقیم و بیمه اتکایی محصولات کشاورزی و دامی هزینه‌ها را به مقدار قابل توجهی برای کشورها کاهش می‌دهد. این کشورها در خصوص بیمه اتکایی می‌توانند ظرفیت ایجاد کنند و حتی به جای احداث صندوق‌های بیمه‌ای در هر کشور، صندوق بیمه محصولات کشاورزی در سطح منطقه و جهان تأسیس کنند. در امور فرهنگی نیز

کشورها در صنایع غذایی و تولیدات کشاورزی فعالیت می‌کنند و از محل صدور مواد خام و محصولات کشاورزی و دامی درآمد ارزی زیادی دارند. در بین بخش‌های مختلف اقتصاد، بخش تولیدات کشاورزی و دامی با ریسک‌های متعدد و عدم اطمینان زیادتری مواجه است. به همین علت مؤسسات بیمه براساس اوضاع اقتصادی و اجتماعی و شرایط جغرافیایی و اقلیمی در این رشته فعالیت می‌کنند.

خطر مهمی که اکنون کشورهای در حال توسعه را تهدید می‌کند، کاهش درآمد سرانه آنهاست و بخش عمده‌ای از درآمد ملی نیز صرف پرداخت اقساط بدهی‌ها می‌شود. به کشاورزی و دامداری سنتی دیگر نمی‌توان اتکا کرد، بیکاری در حال افزایش است و میزان تولید ناخالص داخلی در خور توجه نیست. ادامه حرکت به سوی گرسنگی و فقر بیشتر، وضعیتی است که هم اکنون شمار زیادی از کشورهای آسیایی و آفریقایی گرفتار آن هستند. ادامه این روند، به تنش‌ها و جنبش‌های اجتماعی منجر می‌شود و حتی ممکن است استقلال آنها را نیز به خطر بیندازد. اینجا هم بیمه می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. مسلماً هیچ فعالیت اقتصادی بدون خدمات بیمه نمی‌تواند با آرامش خیال ادامه یابد. بیمه، خدمتگزار اقتصاد است و در همه فعالیت‌های اقتصادی حضور دارد و در عرصه کشاورزی و دامداری نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، تولید کنندگان سنتی، استفاده از روش‌های متداول و قدیمی را ترجیح می‌دهند و همچنان سود اندکی از کشت محصولات کشاورزی به دست می‌آورند و با کوچک‌ترین حادثه‌ای، درآمد آنها کاهش می‌یابد یا حتی از بین می‌رود. اغلب کشاورزان و دامداران استفاده از روش‌های مدرن تولید را همراه با ریسک می‌دانند و به طرف آن نمی‌روند. بنابراین، بیمه‌گران باید بر تلاش خود بیفزایند و به انحای مختلف به آنها اطمینان خاطر دهند که در صورت بروز هرگونه حادثه‌ای خسارت آنها را جبران خواهند کرد. چنانچه مردان مزرعه متقاعد شوند که بیمه حامی آنهاست و طرح‌های ابداعی و روش‌ها و فناوری‌های نو موجبات کاشت و داشت و برداشت بهتر را فراهم می‌آورند، به آن روی خوش نشان خواهند داد. افزون بر این، بیمه به کشاورزان اعتبار مالی می‌دهد و آنها می‌توانند تسهیلات لازم را از مؤسسات اعتباری دریافت کنند. در صورت وقوع حادثه‌ای فاجعه‌آمیز و از بین رفتن تولیدات کشاورزی نیز بیمه به کمک او می‌شتابد. در این هنگام که کشتگر درآمدی ندارد تا اقساط خود را به مؤسسه مالی وام دهنده پرداخت کند نقش بیمه سرنوشت‌ساز است و با پرداخت خسارت، قدرت مالی به کشاورز می‌دهد و او می‌تواند تعهدات خود را ایفا کند و اقساط وام خود را بپردازد.

نقش مهم دیگر بیمه‌گر در بیمه‌های کشاورزی و دامی، مدیریت ریسک است که احتمال بروز خسارت را پایین می‌آورد، زیرا بیمه‌گر در بررسی‌های خود برای ارزیابی ریسک و پرداخت خسارت به اطلاعات ذی‌قیمتی دست پیدا می‌کند. این اطلاعات برای مسئولان و دست‌اندرکاران امر

بین مردم این کشورها تشابهاتی وجود دارد و بهتر همدیگر را درک می‌کنند و در حل مشکلات یکدیگر یار و مددکار هم خواهند بود. برگزاری دوره‌های آموزشی و تبادل تجربیات، از دیگر دستاوردهای تأسیس چنین سازمان‌های فراملیتی است.

کارشناسان محصولات کشاورزی و دامی می‌توانند در سطح منطقه نشست‌های تخصصی برگزار و تجربیات خود را مبادله کنند. مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها نیز می‌توانند همکاری‌های آموزشی و فرهنگی داشته باشند و حتی به تبادل دانشجو بپردازند و از بورس‌های تخصصی یکدیگر استفاده کنند. در جهت تحقق هدف‌ها نیز این کشورها با زبان و فرهنگ‌های تا حدودی متفاوت، می‌توانند به یاری یکدیگر بشتابند و حتی در امر صادرات و واردات محصولات کشاورزی و دامی با هم مبادلات تجاری و بازرگانی داشته باشند.

نکته مهم اینکه بیمه بخش بسیار مهم اقتصاد کشورهاست و بدون صنعت بیمه فعال، جامعه به ویژه از نظر اقتصادی، به تعادل نمی‌رسد. کشورهای در حال توسعه اقتصاد ضعیف و منابع مالی محدودی دارند و بنابراین با مشکلات متعددی مواجه هستند. مردم در این کشورها کمتر به بیمه توجه دارند و به آن روی خوش نشان نمی‌دهند، لذا بازار بیمه ضعیفی دارند. بازار بیمه ضعیف یعنی وابستگی به بازارهای بیمه اتکایی بین‌المللی. در نتیجه، این کشورها ناگزیرند که بخشی از ارز محدود خود را به تهیه پوشش بیمه اتکایی برای ریسک‌های خود اختصاص دهند. آن‌هم در شرایطی که مشکل تهیه پوشش بیمه اتکایی برای محصولات کشاورزی و دامی، گرفتاری‌های آنها را دو چندان می‌کند. مکانیزه شدن فعالیت‌های بیمه‌ای مستقیم و اتکایی در کشورهای توسعه یافته، شکاف بین فعالیت‌های بیمه‌ای در کشورهای در حال توسعه را با کشورهای پیشرفته بیشتر می‌کند و بر مشکلات بازار بیمه کشورهای در حال توسعه می‌افزاید. این مشکلات علت اصلی عقب ماندن کشورهای در حال توسعه از بازار بیمه کشورهای پیشرفته است و کمبود منابع ارزی آنها را تشدید می‌کند.

بیمه‌گران اتکایی خوب علاوه بر ارائه خدمات بیمه اتکایی، در زمینه انتقال فناوری و برگزاری دوره‌های کارآموزی و بازآموزی نیز به مشتریان خود کمک می‌کنند. آموزش در زمینه‌های کشاورزی و دامداری نقش بسیار مهمی در توسعه این رشته دارد. البته دانشگاه‌ها رشته‌های مختلفی در بیمه کشاورزی و دامداری دارند ولی مؤسسات بین‌المللی نیز دوره‌های کوتاه مدت کاربردی به ویژه در زمینه بیمه و بیمه اتکایی برای کارکنان و دست‌اندرکاران بیمه محصولات کشاورزی و دامی برگزار می‌کنند. ثابت شده است کسانی که در این دوره‌ها شرکت می‌کنند فعالیت مطلوبی دارند و از تجربیات دیگران استفاده بهینه‌ای می‌کنند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله در آمریکای لاتین فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری نیروی محرک اقتصاد آن کشورهاست و اشتغال زایی گسترده‌ای دارد. بخش قابل توجهی از نیروی کار این



کشاورزان و افزایش سطح پوشش بیمه درصد بیشتری از خسارات کشاورزان جبران شود.

خواندگان گرامی ملاحظه می‌کنند که این مدیر دولتی، بیمه را به درستی مهم‌ترین راهکار برای جبران خسارت‌های وارده به محصولات کشاورزی می‌داند. این کشاورزان در صورت داشتن پوشش بیمه‌ای، که ان شاء الله چنین باشد، با خیالی آسوده فعالیت و برای کشت سال آینده خود برنامه‌ریزی خواهند کرد.

بدون پوشش بیمه‌ای، کشاورز چگونه می‌تواند بار سنگین این خسارت را به دوش کشد. خبر فوق مهر تأیید بر موضوع مهمی است که در طول این مقاله بارها به آن اشاره کردم: در شرایط جغرافیایی و اقلیمی کشور ما داشتن پوشش بیمه‌ای ضرورت اجتناب‌ناپذیری برای کشاورزان و دامداران است.

### تأمین اجتماعی

تحقق تأمین اجتماعی یکی از اهداف اصلی و بسیار مهم دولت‌های پیشرفته در دنیای امروز است که به جامعه عرضه می‌شود، یعنی تأمین حداقل معیشت در سطح آبرومندانانه برای آحاد مردم. بعد از جنگ جهانی دوم شماری از کشورهای غربی، توسعه بیمه‌های اجتماعی را در سطح گسترده از طریق طرح‌های جامع آغاز کردند. اکنون بیش از ۱۰۰ کشور در جهان، طرح‌های مختلف بیمه‌های اجتماعی را برای سطوح گوناگون جامعه در دست اجرا دارند. بیمه اجتماعی به موجب قانون اجباری است. حق بیمه و سطح کمک‌های بیمه اجتماعی معین و مشخص است، رعایت آن اجباری و اداره آن عمدتاً در دست دولت می‌باشد. به طور کلی، بیمه اجتماعی با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی که دارد و هدف‌هایی که دنبال می‌کند، نظامی است که تأمین آتیه می‌کند و رفاه اجتماعی به اعضای خود ارائه می‌دهد. در بیمه اجتماعی، پوشش بیمه‌ای عمدتاً شامل رفع نیازهای اولیه و اساسی زندگی برای ادامه حیات است. بیمه اجتماعی به گونه‌ای طراحی می‌شود که حقوق و نیازهای اولیه مردم را تضمین کند و ثبات اجتماعی برقرار باشد.

توسعه اقتصادی، تأثیر مثبتی بر تأمین اجتماعی دارد و درآمد، بین اعضای جامعه‌ای که درآمد ملی را تولید می‌کند، توزیع مجدد می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که تأمین اجتماعی بر پایه توسعه اقتصادی استوار است. بررسی وضعیت تأمین اجتماعی در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که تأمین اجتماعی عمدتاً و در درجه اول به شهرنشینان تعلق می‌گیرد و روستاییان در اولویت دوم قرار دارند. بنابراین، اولویت کمک‌های رفاهی دولت‌ها باید به جمعیت تولید کننده محصولات کشاورزی و دامی داده شود.

تأسیس مؤسسات بیمه تخصصی در امر کشاورزی و دامی باید در دستور کار دولت‌های کشورهای در حال توسعه قرار گیرد و تولیدکنندگان در این بخش، به ویژه در مناطق روستایی، کاملاً حمایت شوند. فعالیت مؤسسات بیمه نیز باید در جهت برنامه‌های تولیدی بخش کشاورزی و دامی باشد، به گونه‌ای که هر دو به سوی هدف واحدی حرکت کنند.

کشاورزی و برنامه‌ریزان بسیار مهم است و نه تنها می‌توانند شیوه‌های تولید و فناوری برتر را انتخاب کنند، بلکه به محصول مرغوب‌تر و افزایش میزان برداشت از سطح کشت نیز دست پیدا می‌کنند. این اطلاعات را همان طور که گفتیم بیمه‌گران در اختیار مقامات تصمیم‌گیرنده قرار می‌دهند. به همین دلیل ما می‌توانیم بیمه‌گران را مشاوران عالی مسئولان بخش کشاورزی و دامی بدانیم که به برنامه‌ریزی بهینه نیز منجر می‌شود. نتیجه نهایی، تأثیر مثبت بر اقتصاد کشور، جامعه و ارتباطات مطلوب روستایی است.

بیمه محصولات کشاورزی و دامی از نظر اقتصادی باعث ایجاد دو جریان مالی می‌شود:

۱. با حق بیمه‌ای که کشاورز به شرکت بیمه می‌پردازد و سپس با پرداخت خسارت، این منابع مالی از منطقه خسارت ندیده به بخش خسارت دیده منتقل می‌شود. همچنین اگر از سیستم صحیح برای تعیین حق بیمه استفاده شده باشد، منابع مالی به صورت حق بیمه از کشاورزان ثروت‌مندتر به کشاورزان فقیرتر انتقال می‌یابد.

۲. مشارکت دولت از طریق پرداخت یارانه به کشاورزان و دامداران موجب می‌شود که توزیع مجدد درآمد در اقتصاد ملی به نفع کشاورزان صورت پذیرد.

### آفتاب آمد دلیل آفتاب

خبری در روز پنج‌شنبه هشتم اردیبهشت ۱۳۸۴ در صفحه ۲۱ روزنامه ایران توجه نگارنده این مقاله را به خود جلب کرد: «تغییر ناگهانی دما ۹۵۰ میلیارد تومان به کشاورزان خسارت وارد کرد».

گروه اقتصادی: سرمای ناگهانی هوا و تغییر دما در ابتدای سال جاری ۹۵۰ میلیارد تومان خسارت به محصولات کشاورزی وارد کرد.

علی اکبر یاسمی نماینده وزارت جهاد کشاورزی در ستاد حوادث غیر مترقبه در گفت‌وگو با خبرنگار ایران افزود: از این میزان ۸۵۰ میلیارد تومان مربوط به خسارت بخش باغبانی و ۱۰۰ میلیارد تومان مربوط به خسارت بخش زراعت است.

وی با اشاره به اینکه بیشترین خسارت مربوط به استان کرمان و محصول پسته بوده است، تصریح کرد: استان‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی، آذربایجان و اردبیل نیز بالاترین خسارت را داشته‌اند، همچنین کمترین خسارت مربوط به استان لرستان بوده است.

وی خسارت ناشی از سرمازدگی در سال ۱۳۸۳ را حدود ۷۷۰ میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: در سال گذشته فقط ۱۱ درصد خسارات یعنی ۸۶ میلیارد تومان توسط دولت جبران شد.

به گفته وی، گزارش خسارت ناشی از سرمازدگی از سوی وزارت جهاد کشاورزی به ستاد حوادث غیر مترقبه ارسال شده است که در این زمینه قول مساعدت داده شده است.

وی بیمه را مهم‌ترین راهکار برای جبران خسارت ناشی از حوادث غیر مترقبه خواند و گفت: سطح پوشش بیمه باغات امسال با ۵۰ هزار هکتار افزایش به ۲۵۰ هزار هکتار رسیده است که امیدواریم با شناخت

**■ نقش مهم بیمه‌گر در بیمه‌های کشاورزی و دامی، مدیریت ریسک است زیرا بیمه‌گر در بررسی‌های خود برای ارزیابی ریسک و پرداخت خسارت به اطلاعات ذی‌قیمتی دست پیدا می‌کند. این اطلاعات برای مسئولان و دست‌اندرکاران امر کشاورزی و برنامه‌ریزان بسیار مهم است**

